

منسوجات ایرانی، به عبارت دیگر...

نگاهی به دو ترجمه از این کتاب

● بنفشه مقدم

عضو هیئت علمی دانشگاه هنر violettaverseau@yahoo.com

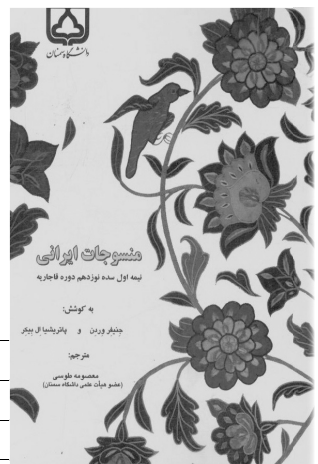
چکیده

موزه ویکتوریا و آلبرت در شهر لندن یکی از بزرگ‌ترین موزه‌های جهان است. این موزه دارای نوزده هزار اثر از تمدن اسلام در خاورمیانه و شمال آفریقا، متعلق به ایام آغازین ظهور این دین یعنی قرن هفتم تا اوایل قرن بیستم میلادی است. مجموعه‌های این موزه شامل آثار گوناگونی است که بخش عمده آن‌ها ایرانی است. این موزه مجموعه‌ای بی‌نظیر از منسوجات ایرانی متعلق به نیمه نخست قرن نوزدهم را در اختیار دارد که شامل بیش از ۹۰۰ نمونه از منسوجات بافته‌شده، قلمکار، سوزن‌دوزی و رودوزی‌اند. این آثار انواع مختلفی از پوشاک، لوازم تزئینی و مصرفی نظیر بقچه، سفره، پوشش اسباب و اثاثیه مذهبی را شامل می‌شود. انتشارات موزه در سال ۲۰۱۰م. تعداد ۲۰۰ منسوج از این آثار را به همراه توضیحات فنی به قلم جنیفر وردن و پاتریشیا بیکر^۱ در قالب کتابی به نام *منسوجات ایرانی* به بازار نشر عرضه کرده‌است. آثار این نویسندگان برای پژوهشگران حوزه تاریخ منسوجات نام‌آشنا است که در ایران نیز تعدادی از آن‌ها به چاپ رسیده‌است. کتاب حاضر با دو ترجمه در دو سال پیاپی منتشر شده که به بررسی این دو نمونه می‌پردازیم.

کلیدواژه: موزه ویکتوریا و آلبرت، منسوجات ایرانی، جنیفر وردن، پاتریشیا بیکر

مقدمه

آن‌چه به‌اختصار در منابع تاریخ هنر درباره صنعت نساجی دوره قاجار آمده‌است، بیانگر رکود و به‌نوعی انحطاط این صنعت - هنر کهن ایرانی است که دلیل آن ورود شیوه‌های غربی و نفوذ آن‌ها بر پارچه‌بافی ایرانی دانسته شده‌است.

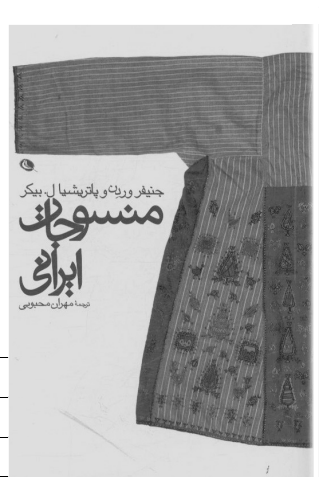


■ وردن، جنیفر مری و پاتریشیا ال. بیکر (۱۳۹۵).
منسوجات ایرانی. ترجمه معصومه طوسی. سمنان:
دانشگاه سمنان.

ایران که خود زمانی صادرکننده منسوجات باکیفیت به‌ویژه پارچه‌های ابریشمی بود، به واردکننده منسوجات تبدیل شده بود و از کارخانه‌های نساجی که روزگاری محصولات آن به تمام مشرق‌زمین صادر می‌شد، خبری نبود. در آن زمان عمده تجارت‌ها در ایران، دلالی تجار از اجناس بیگانه بود، تاجایی که حاج آقا نورالله می‌گوید: «بازرگانان عمال اجنبی شده بودند» (ماجرای پارچه انگلیسی و مقابله با سلطه غربی: ۱۳۹۷).

جرج کرزن، سیاستمدار انگلیسی در کتاب *ایران و قضیه ایران* می‌نویسد: «گذشته از اشیای تجملی غربی که طبقات بالا به آن معتاد شده‌اند، پوشاک همه طبقات جامعه از مردان گرفته تا زنان جملگی از غرب وارد می‌شود. ابریشم، ساتن و ماهوت برای طبقات اعیان و قماش نخی و پنبه‌ای برای همه طبقات. لباس یک روستایی ساده از منچستر یا مسکو می‌آید و نیلی را که همسر او به کار می‌برد، از بمبئی وارد می‌شود. درواقع از بالاترین تا پایین‌ترین مراتب اجتماعی، به‌طور قطع وابسته و متکی به کالاهای غربی شده‌اند» (کرزن. ۱۳۶۲: صص ۶۶-۶۷).

تاین که به نقل از روزنامه «جبل‌المتین» هشت‌صد نفر از رؤسای تجار و اشراف اصفهان متفق شدند و طی اعلامیه‌ای ترک استعمال و خریدوفروش منسوجات خارجی را اعلام کردند. تأسیس «شرکت اسلامی» به ابتکار حاج آقا نورالله اصفهانی در اصفهان و همکاری تجار این شهر نمونه بسیار موفق‌تری از این راهبرد در ایران است. (ماجرای پارچه انگلیسی و مقابله با سلطه غربی: ۱۳۹۷). براساس دلایل مبتنی بر تحقیق در پارچه‌های این دوره باید اظهار داشت که هنرمندان بافنده با همان شیوه‌های سنتی در مراکز مختلف پارچه‌بافی



فصلنامه نقد کتاب

ادبیات و هنر

سال دوم، شماره ۷ و ۸
پاییز و زمستان ۱۳۹۸

۲۱۵

■ وردن، جنیفر مری و پاتریشیا ال. بیکر (۱۳۹۷).

منسوجات ایرانی. ترجمه مهرا ن محبوبی. تهران: چاپ

و نشر نظر.

به تولید انواع پارچه‌های زربفت، مخمل، شال ترمه، پارچه‌های ابریشمی و هم‌چنین انواع دوخته‌دوزی (رودوزی) و نقاشی روی پارچه پرداختند. علاوه‌بر این به دلیل ورود پارچه‌های اروپایی به ایران و ایجاد رقابت ناشی از آن ابتکارات فنی در زمینه‌های مختلف مانند ابریشم‌بافی به وجود آوردند که از آن جمله ابداع فنون جدید در بافت پارچه‌های ابریشمی ساتن بود. بافندگان این عهد شیوه «لپه‌باف» و «پشت کلاف» را در نقش‌اندازی پارچه‌های ساتن به کار گرفته و آثاری بسیار زیبا و بی‌نظیر با این اسلوب در کارگاه‌های پارچه‌بافی ایبانه که مرکز عمده تولید این نوع پارچه‌ها بود، خلق نمودند. هم‌چنین در این دوره بافت نوعی پارچه ابریشم چندرنگ و درهم بافت سایه‌دار موسوم به «ایکات» رایج شد که نمونه‌های جالبی از آن باقی است.

در همین زمینه بافت نوع دیگری از پارچه ابریشم با فن معروف به «دورو» یا «دوپودی» که از دوره ساسانیان و پس از آن در قرون اولیه اسلام در ایران رایج بود، مجدداً به دست هنرمندان بافنده دوره قاجار رواج یافت. چند پرده و پوشش قبر کتیبه‌دار ابریشمی که با این فن بافته شده‌است، باقی است که یکی از آن‌ها دارای تاریخ ۱۲۰۲ هاست و عبارت (عمل محمدحسین) نیز روی آن بافته شده‌است.

به‌غیراز ابریشم‌بافی بافت پارچه‌های شال ترمه در کارگاه‌های کرمان و یزد با فنون پیشرفته‌تر از پیش رایج شد که در این راه امیرکبیر (امیر نظام) نقش عمده‌ای داشت. وی سعی فراوانی در توسعه و گسترش این کارگاه‌ها نمود و به همین جهت پارچه‌های شال ترمه به «امیری» نیز معروف شد.

علاوه بر بافت پارچه‌های مختلف به دلیل ورود پارچه‌های دوخته‌دوزی شده اروپایی مانند گوبلن‌های فرانسوی و ایتالیایی به ایران و رواج بازار آن، فنون و شیوه‌های متنوعی در زمینه دوخته‌دوزی‌های ایرانی نسبت به قبل به وجود آمد. لازم به ذکر است که ایران در این راستا نیز دارای پیشینه‌ای کهن است و بنابر دلایل موجود قدمت آن به دوره هخامنشی می‌رسد. به این ترتیب انواع رودوزی مانند ابریشم و گلابتون‌دوزی، نقده‌دوزی، ملیله‌دوزی، خوس‌دوزی، سلسله‌دوزی، رشتی‌دوزی، بخارادوزی، پیله‌دوزی، ده‌یک‌دوزی، فتیله‌دوزی با اسلوب‌های تزئینی زیبا و در برخی موارد با تلفیقی بسیار ماهرانه از نقش‌مایه‌های ایرانی و اروپایی بر روی انواع پارچه مانند مخمل، ابریشم و حتی پارچه‌های کتان به دست هنرمندان ایرانی نقش بست. در نتیجه می‌توان گفت، هنرمندان بافنده دوره قاجار که وارث فنون و شیوه‌های پیشرفته دوره صفوی و قبل از آن بودند، توانستند در شرایط اجتماعی و فرهنگی زمان خود با بهره‌گیری از غنای این هنر همراه با شیوه‌های اروپایی و گاه شیوه‌های چینی و هندی، مکتبی را تحت عنوان مکتب پارچه‌بافی قاجار خلق نمایند.

حاصل تلاش ایشان امروزه به صورت نمونه‌های موجود در موزه‌ها و مجموعه‌های خصوصی و شخصی بسیار یافت می‌شود. معرفی حدود ۲۰۰ نمونه از این منسوجات به کوشش موزه ویکتوریا و آلبرت لندن و تحت عنوان کتابی از انتشارات آن موزه صورت گرفته که در ایران توسط دو نفر به فارسی برگردانده شده است.

درباره کتاب و مؤلفان و مترجمان آن

پاتریشیا ال. بیکر (۲۰۰۸-۱۹۴۲م) شرق‌شناس، مدرس دانشگاه و پژوهشگر حوزه منسوجات و شیشه‌های اسلامی بود که کتب متعددی را نیز در این زمینه به رشته تحریر درآورد. جنیفر وردن مجموعه‌گردان ارشد بخش منسوجات موزه ویکتوریا و آلبرت لندن است که در سال ۲۰۰۴م. بازنشسته شد. به گفته وی تا پیش از فوت پاتریشیا بیکر حدود ۸۵ درصد از منسوجات دوره قاجار موزه فهرست شده و درمورد این که کدام نمونه‌ها باید در کتاب معرفی شوند، هم تصمیم گرفته شده بود. خانم بیکر یادداشت‌های خود را به خانم وردن سپرد تا ویرایش نهایی متن صورت گیرد. سرانجام با کمک مؤسسات و افراد مختلف اثر حاضر به چاپ رسید. نتیجه تحقیقات ایشان در ایران به عنوان یک اثر ارزشمند و مفید برای علاقه‌مندان و پژوهشگران حوزه تاریخ منسوجات ایران قابل تأمل است.

کتاب او در سال ۱۳۹۵ توسط معصومه طوسی، عضو هیئت علمی گروه

آموزشی طراحی و چاپ پارچه دانشگاه سمنان و توسط انتشارات همان دانشگاه ترجمه و چاپ شد. در ظاهر این طور به نظر می‌رسد که سعی شده‌است، جلد کتاب نیز مانند نسخه اصلی باشد، اما با دقت در متن می‌توان دید که جملات به صورت خلاصه آمده‌اند. به عنوان مثال در پاراگراف ۴ صفحه ۹، مترجم این طور توضیح داده‌است: «بعضی از مطالب هنگام ترجمه حذف شده‌اند؛ زیرا این مطالب برای مخاطبان انگلیسی‌زبان نوشته شده و ایشان به فرهنگ ما آشنایی ندارند، پس نیاز به توضیح است. مثلاً این که فرق بین شیعه و سنی چیست؟ و یا این که مهر نماز چیست؟ اما توضیح این مطالب برای مخاطب ایرانی از بدیهیات دین است. البته معمولاً در امر ترجمه شایسته است، در متن دخل و تصرفی صورت نگیرد!»

فصلنامه نقد کتاب

ادبیات و هنر

سال دوم، شماره ۷ و ۸
پاییز و زمستان ۱۳۹۸

۲۱۷

کیفیت تصاویر کدر و تار است که برای رفع این مشکل، تصاویر در یک لوح فشرده به همراه کتاب عرضه شده‌اند. می‌توان حدس زد که انتشارات دانشگاه به جهت پایین آوردن هزینه‌ها اقدام به این امر نموده‌است، اما مطلبی که به آن توجه نشده، این است که در اغلب موارد مخاطب به هنگام تورق یک کتاب در نگاه اول به دنبال تصاویر رنگین و جالب توجه است. به‌ویژه در مورد موضوع جذابی از حوزه هنر، اما در کتاب مورد بحث این انتظار برآورده نمی‌شود. لازم است ناشر به این نکته توجه کند که اولین لحظه برخورد با کتاب بیشترین تأثیر را در مخاطب خواهد داشت. صفحه‌آرایی بسیار ساده و شبیه به کتاب‌های مدرسه صورت گرفته که باعث شده‌است، در مقایسه با اثر اصلی از شکوه آن کاسته شود. انتخاب نوع کاغذ کدر نیز در ایجاد تاری تصاویر بی‌تأثیر به نظر نمی‌رسد. ضمن این که مترجم کتاب به عنوان استادی متخصص در این حوزه امکان استفاده و معرفی منابعی بسیار متنوع‌تر از آنچه در صفحه ۱۰ کتاب آمده را داشته‌است، اما متن در هنگام خوانش، تقریباً روان و منسجم است.

به فاصله دو سال پس از ارائه این ترجمه، مهران محبوبی نیز اقدام به برگردان این اثر نموده که توسط نشر نظر به بازار عرضه شده‌است. با جستجوی آثاری از این مترجم، به توانایی ایشان در معرفی حوزه متنوع داستان و به‌ویژه آثار کودک و نوجوان پی می‌بریم. لذا انتخاب این زمینه تخصصی کمی مخاطره‌آمیز به نظر می‌رسد، اما در ادامه خوانش کتاب برخلاف ترجمه پیشین، وفاداری به متن کاملاً دیده می‌شود. هر چند تصویر پیشنهادی جلد کتاب عیناً مانند نسخه اصلی نیست، اما از درون متن اصلی انتخاب شده‌است.

در صفحه‌آرایی و چاپ تصاویر با رنگ‌های درخشان نیز ذوق و سلیقه بیشتری به کار گرفته شده‌است، اما در این مورد نیز منابعی که مورد

استفاده برای ترجمه و جهت مطالعه بیشتر معرفی شده‌اند، بسیار محدودتر از منابع ارزشمند تخصصی هستند. این مطلب نیز احتمالاً نشان‌دهنده آشنایی اندک ایشان با حوزه تخصصی تاریخ هنر نساچی است. حتی در بین منابعی که برای ترجمه استفاده شده‌اند، اشاره‌ای به ترجمه اولیه کتاب نشده که می‌تواند، نشان از بی‌اطلاعی مترجم و یا حتی ناشر باشد. بیشتر منابع ایشان به روش ترجمه کمک کرده‌اند، نه محتوای مطالب، اما در مجموع هر دو ترجمه قابل استفاده و قابل استناد هستند، هر یک با ظاهر و زبانی متفاوت.

در عصر شتابان ارتباطات علاوه‌بر ترجمه‌های گوناگون در زمینه‌های مختلف شاهد ترجمه‌های مکرر از یک اثر نیز هستیم. دلایل پرداختن به ترجمه اثری که قبلاً ترجمه شده، چیست؟ این مطالب در نظر دارد، با ارائه تعریفی از ترجمه مجدد به بررسی تفاوت‌های موجود بین ترجمه و ترجمه مجدد بپردازد. در این پژوهش تأثیر گذر زمان بر روی متون و ترجمه آن‌ها مورد مطالعه قرار می‌گیرد تا مشخص گردد، چرا برخی از ترجمه‌ها همواره می‌درخشند و برخی دیگر در طی زمان رنگ می‌بازند. اگر بین دو ترجمه از یک اثر فاصله بسیار طولانی وجود داشته باشد، این کار کاملاً ضروری به نظر می‌رسد، چرا که زبان مرتباً در تغییر است، به‌عنوان مثال پرویز داریوش در سال ۱۳۳۴ کتاب *آوای وحش* جک لندن را به فارسی برگرداند و در سال ۱۳۹۵ نیز مهران محبوبی مجدداً آن‌را ترجمه کرد. در فاصله این سال‌ها نیز بارها این اثر توسط افراد مختلف ترجمه شده‌است که تحول زبان و واژه‌های رایج در هر عصر دلیل این کار است، اما در خصوص کتاب مورد بحث ما تنها دو سال از ترجمه اول می‌گذرد و در متن دوم تفاوت‌های سلیقه‌ای در نگارش و نمایش میزان تسلط مترجم به استفاده از کلمات به‌خوبی به چشم می‌خورد. بخش‌های مختلف کتاب در هر دو ترجمه از این قرار هستند:

در فصل اول به معرفی سلسله‌های حاکم بر ایران از دوره صفویه تا زمان حال پرداخته می‌شود. نام و توضیح برخی از این سلسله‌ها ممکن است، برای خوانندگان تازگی داشته باشد.

در فصل دوم به معرفی مختصری از تاریخچه نساچی کشورمان در دوران صفویه تا قاجاریه و فراز و فرود آن پرداخته می‌شود.

فصل سوم به تولید و تجارت زمان قاجار در زمینه پارچه و انواع الیاف مورد استفاده در آن‌ها می‌پردازد.

در فصل چهارم نیز انواع البسه و پارچه‌های بازمانده از سلسله قاجار که در موزه ویکتوریا و آلبرت نگهداری می‌شوند، مورد بررسی دقیق قرار می‌گیرند.

متن در هر دو ترجمه کمابیش روان و قابل درک است، اما در ترجمه دوم ارجاعات با دقت بیشتری آورده شده‌اند. امید است، هر دو انتشارات در

نمونه‌های مشابه و احتمالی آتی با اساتید فن بیشتر مشورت نمایند تا نتیجه تلاش و کوشش مترجمان گرامی با استفاده از نظر ایشان با حداقل ایراد به علاقه‌مندان عرضه شود.

در ادامه تعدادی از منابعی که می‌توانست، درخصوص موضوع کتاب به مترجمان یاری رساند، معرفی می‌شود:

اتینگهاوزن، ریچارد و احسان یارشاطر (۱۳۷۹). *اوج‌های درخشان هنر ایران*. ترجمه هرمز عبداللهی و روئین پاکباز. تهران: آگه.

احتشامی هونه‌گانی، خسرو، با همکاری سیاوش احتشامی (۱۳۹۰). *مجری معانی*. تهران: سوره مهر.

امامی میبدی، سیدمنصور و دیگران (۱۳۹۲). «انواع منسوجات یزد در عصر صفوی». پژوهش‌نامه تاریخ. پاییز ۱۳۹۲. دوره ۸. شماره ۳۲. صص ۲۴-۱. بیکر، پاتریشیا (۱۳۸۵). *منسوجات اسلامی*. تهران: مؤسسه مطالعات هنر اسلامی.

پورپیرا، ناصر (۱۳۸۲). *همنشینی رنگ‌ها*. تهران: کارنگ.

جاویدی صباغیان، مقداد (۲۰۱۲). «پارچه‌بافی عصر قاجار». مصاحبه با زهره روحفر. درج شده در تارنمای معمار نت. <http://www.memarnet.com/en/node/473>

رمضانخانی، صدیقه (۱۳۸۷). *هنر نساجی در شهر یزد*. یزد: سبحان نور.

سلطانی مقدم، سعیده. «صنایع دوره قاجار». تارنمای پژوهشکده باقرالعلوم.

<http://pajoohi.ir> . ۹۳/۸/۲۴

طالب‌پور، فریده (۱۳۹۰). «بررسی تطبیقی نقوش منسوجات هندی گورکانی با پارچه‌های صفوی». نگره. بهار ۱۳۹۰. دوره ۶. شماره ۱۷. صص ۲۹-۱۵. طریقی، مژگان (۱۳۹۳). *صد سال زری‌بافی در ایران*. تهران: انتشارات مولف مژگان طریقی.

عصاره، امیرحسین و سیدعلی آقاکابلی (۱۳۸۱). *واژگان فرش*. اصفهان: گلدسته.

فلور، ویلم (۱۳۹۳). *صنایع کهن در دوره قاجار*. ترجمه علیرضا بهارلو. تهران: بیکره.

کرزن، جرج ناتانیل (۱۳۶۲). *ایران و قضیه ایران*. ترجمه وحید مازندرانی، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.

کنبی، شیلار (۱۳۹۳). *جزئیاتی از هنر اسلامی*. ترجمه افسونگر فراست. تهران: فرهنگ‌سرای میردشتی.

کنگرانی، منیژه (۱۳۹۷). *مجموعه مقالات نقش و نقشبند*. تهران: فرهنگستان هنر.

«ماجرای پارچه انگلیسی و مقابله با سلطه غربی». برگرفته از تارنمای جامعه الزهرا.

www.jz.ac.ir . ۱۳۹۷/۵/۲۹

مکی نژاد، مهدی (۱۳۸۷). مجموعه مقالات اولین گردهمایی گنجینه‌های هنر از یاد رفته ایران. تهران: فرهنگستان هنر.

پی‌نوشت

1. Jennifer Mary Wearden, Patricia L. Baker

فصلنامه نقدکتاب

ادبیات و هنر

سال دوم، شماره ۷ و ۸
پاییز و زمستان ۱۳۹۸

۳۳۰